

کودتای 7 ثور به مثابه سر آغاز کشتار وحشیانه هموطنان ما توسط باند های دد منش خلق و پرچم ...

پروفسور هاله

(این نوشته در گردهمایی 8 دسمبر به مناسبت نشر لیست پنجهزار قربانی توسط رژیم خلق و پرچم، در سیدنی خوانده شد)



پروفسور هاله حین سخنرانی در گردهمایی
(عکاسی؛ هفته نامه "افق")

وقتیکه انسان بر لست های کشتار وحشیانه نشر شده پس از به قدرت رسیدن حفیظ الله امین و نشر شده در این اواخر در هالند، نگاهی ژرف میزول میدارد به او، حتماً این برداشت دست میدهد که بر اعضای باند های دد منش خلق و پرچم، با نظر داشت پندار ناهنجار و کردار حقارتبار شان، نام حزب سیاسی را خو بگذار حتی نام انسان را نمیتوان بر چسپ زد. زیرا در طول تاریخ سیاسی جهان حتی گروههای به پیمانۀ این باند خلع سلاح از وجدان و اخلاق سیاسی افراد ملت خود را مقتول معیوب و آواره در جابلسا و جابلقا نکرده اند.

جای شگفتی در این است که این دو باند بر دانش آموزان مدارس و دانشگاه، مأموران پایین رتبه، اهل کسبه، اشخاص غریب کار و حتی بیکار و به اصطلاح خود شان رنجبران بر چسپ فعال سیاسی را زده و آنها را به اتهامات سکتارست، ماهوست، اخوانی، خمینی و آنهم به اصطلاح خود شان فریب خورده نه شعوری، بدون محاکمه اصولی و یا پس از شکنجه غیر انسانی آله دست کشور های دیگر قلمداد کرده (در حالیکه خود این بی شرم ها به چنین صفت متصف بودند) زنده به گور کردند و یا از دم تیغ کشیدند و از طریق پولیگون رهسپار دیار عدم نمودند.

البته عامل اصلی و اساسی این کردار ناهنجار و حقارتبار را میتوان این دو دستور دو رهبر دژخیم سالار شان پنداشت: 1- رهبر به اصطلاح نابغه شرق مگر در واقعیت امر تا خط سیاه!! کودن خلق به تمام اعضای باند دد منش خود این صلاحیت را اعطا فرموده بود؛ "کوچکترین مخالفت و مقاومت را تحمل ننموده حتی اشخاص مظنون را راساً سر به نیست سازند.

2: شاگرد وفادار و قاتل فرجامین او حفیظ الله امین ستالین کیش و هتلر مآب با این پندار که برای حکمروایی آن ستمروایان وجود رعیت دو ملیونی کافی و وافی می باشد در کشتار باقی نفوس کشور از هیچگونه جنایت دریغ ننموده، مگر این پیشامد دد منشانه شان را به خاطری قبیح تر از همه گروههای آدمکش تلقی میتوان کرد که آنها اشخاص رقیب سیاسی یا اشخاص سد راه توسعه طلبی شان را، نه مردم کشور خود را از بین می بردند. اگر چه دژخیم سالاران شارکهای سرخ (تره کی، امین، نجیب به استثنای سروری که در خارج کشور بسر می برد) پس از برپا شدن قیامت صغرا بر سر شان یعنی پس از مردار شدن شان در تعدیگاه موقتی برزخ ویژه دهری ها و کافران جا به جا گردیدند، مگر کردار زنده ماندگان این دو باند، پس از جمع شدن گلیم ستمروایی شان، از آنجا اعجاب بر انگیز تر می باشد که آنها از بیم رسیدن به کیفر اعمال ننگین شان، به جای اینکه به کشور بادر شوروی شان پناه سیاسی ببرند بیشرمانه و بی ننگانه به کشور هایی پناه بردند که در روزگاران ستمروایی شان هزاران فحش و ناسزا را نثار شان میکردند.

دژخیم سالاران یا شارکهای سیاه فرآورده کردار دد منش شارکهای سرخ یعنی رهبران باند های طالبان، حقانی، گلبدین و کرزی به خاطر سزاوار تحقیر و توهین به مراتب بیشتر می باشند که از سرنوشت پندار ناهنجار و کردار حقارتبار خلق و پرچم درس عبرت نگرفته عین سناریوی کشتار همگانی را فضیحانه تر مگر با کمال تأسف در زیر نام اسلام و بد نام سازی اسلام تمثیل نمودند. و با زدودن روزافزون خاطره میهن دشمن خلق و پرچم آنها را منت دار خود ها گردانیدند.

در آخرین تحلیل میتوان چنین نتیجه گیری کرد که هر باند وطنفروش، در حالیکه پیش از رسیدن به قدرت سیاسی باند های حکمروایان قبلی را مورد هرگونه طعن و لعن قرار میداد، مگر پس از احراز قدرت سیاسی در وحشی گری، بی وجدانی، بی ایمانی، بی کفایتی، فساد اداری و به یک حرف در ددمنشی و قرار گرفتن به حیث آله دست بیگانه گان سر باند های قبل از خود را خاریده و خاریده میروند. لعنت خدا و نفرین ملت بر همه جنایت پیشه گان.

www.goftaman.com

هفته نامه "افق" استرالیا